

ایران توشه

- رانلور نمونه سوالات امتحانی

- رانلور گام به گام

- رانلور آزمون گام به گام و حل و سنجش

- رانلور فیلم و مقاله انگلیزی

- رانلور و مشاوره



IranTooshe.Ir



@irantooshe



IranTooshe



بسم الله الرحمن الرحيم

قواعد و نکات دستوری عربی نهم

تدوین: وحید قمری خانه برق

ایران تونل

توشه ای برای موفقیت

سال تحصیلی: ۱۳۹۶ - ۱۳۹۷

درس اول: در درس اول به مرور نکات و قواعد کتاب عربی سال هفتم و هشتم می پردازند.

درس دوم: در این درس به بررسی وزن و حروف اصلی می پردازد.

نکته اول: بیشتر کلمات عربی «۳ حرف اصلی» دارند. به این ۳ حرف اصلی «ریشه کلمه» گفته می شود. مثال:

عالم - معلّم - علیم - علّام - معلوم - تعلیم - تعلّم - علوم - إعلام ← ع ل م (حروف اصلی = ریشه)

شاهد - مشهود - شهید - شهادت - شهداء ← ش ه د

عابد - معبود - عباد - عبادت - تعبّد ← ع ب د

نکته دوم: چنان چه دقت کردیم در کلمات بالا، هر گروه کلماتی که نوشتیم، هم خانواده هستند. و در این کلمات هم خانواده، سه حرف اصلی (ریشه) به ترتیب ذکر شده است. در واقع با نگاه به کلمات هم خانواده است که ما می توانیم حروف اصلی آن را بفهمیم. (کلمات هم خانواده کلماتی هستند که ریشه مشترک دارند).

در کلمات هم خانواده «ناظر - منظور - نظیر - نظارت» سه حرف اصلی عبارتند از: ن ظ ر

در این گروه از کلمات هم خانواده به جز حروف اصلی، حروف دیگری نیز آمده اند. به این حروف «حروف زائد» می گویند. حروف زائد معنای جدیدی به کلمه می دهند. مثال:

راجع - رجوع - مراجع - مرجع ← حروف اصلی: ر ج ع، که به ترتیب در تک تک کلمات هم خانواده آمده است.
حروف زائد: الف در راجع - واو در رجوع - میم و الف در مراجع - میم در مرجع.

سوال: چگونه ریشه یک کلمه را پیدا کنیم؟

جواب: برای پیدا کردن ریشه یک کلمه دو کار را باید انجام بدهیم:

۱- دو یا چند هم خانواده آن کلمه را به خاطر می آوریم،

۲- و با مقایسه آنها سه حرفی را که در همه کلمات تکرار شده است، به عنوان حروف مشترک یا ریشه انتخاب می کنیم. مثلاً نمی دانیم که حروف اصلی «محمّد» کدام است. ابتدا باید ببینیم که این کلمه با چه کلماتی هم خانواده می باشد. بعد بررسی می کنیم که در این کلمات هم خانواده کدام سه حرف به ترتیب و در همه کلمات تکرار شده است. محمد، حمید، حامد، محمود، احمد ← ح م د : حروف اصلی

نکته سوم: اگر به جای ۳ حرف اصلی، به ترتیب «ف ع ل» بگذاریم و حروف زاید و حرکات _____ را تغییر ندهیم، «وزن کلمه» به دست می آید (پس خلاصه این که در زبان عربی وزن کلمات با سه حرف «ف ع ل» سنجیده می شوند): مثلاً برای به دست آوردن وزن کلمه «صادق»، به جای ۳ حرف اصلی آن یعنی «ص د ق» به ترتیب، «ف ع ل» قرار می دهیم و حرف زائد یعنی «ا» و حرکات _____ را تغییر نمی دهیم:

ص	ا	د	ق
ف	ا	ع	ل
فاعِل			

پس وزن کلمه «صادق»، «فاعِل» است.

مثال های دیگر: محکوم ← مفعول / علیم ← فَعیل / مرفوع ← مفعول.

توجه ۱: در کلمات تشدیددار، حرف مشدد دو حرف محسوب می شود. معلّم ← مفعّل

توجه ۲: چنان چه می بینیم مجموع حروف زائد و اصلی با همدیگر، وزن یک کلمه را تشکیل می دهند.

نکته چهارم: به اولین حرف اصلی، «فاء الفعل» و به دومین حرف اصلی «عين الفعل» و به سومین حرف اصلی «لام الفعل» می گویند. مثلاً در کلمه ی صادق، به اولین حرف اصلی یعنی «ص» که به جای آن «ف» گذاشته ایم فاءُ الفعل می گوییم. به دومین حرف اصلی یعنی «د» که به جای آن «ع» گذاشته ایم عينُ الفعل می گوییم و به سومین حرف اصلی یعنی «ق» که به جای آن «ل» گذاشته ایم لامُ الفعل می گوییم.

نکته پنجم: از وزن های مهمی که در این درس با آن ها آشنا می شویم، «فاعل» و «مفعول» است. وزن «فاعل» معمولاً به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و وزن «مفعول» به معنای «انجام شده» است. (به عبارت دیگر، وزن «فاعل»، انجام دهنده کار را نشان می دهد و وزن «مفعول» نشان دهنده کلمه ای است که کار بر روی آن انجام شده است. مثال: قاتل: کشته / داهب: رونده / کاتب: نویسنده / ضارب: زننده / رازق: روزی دهنده

مقتول: کشته شده / مکتوب: نوشته شده / مضروب: زده شده / مرزوق: روزی داده شده / منصور: یاری شده

درس سوم: نحوه ساخت فعل امر. در این درس طریقه ساختن فعل امر از صیغه ۷ و ۱۰ را به ما یاد می دهد.

مقدمه: امر، در لغت به معنای دستور و فرمان است. و در اصطلاح، بر طلب انجام کار یا پدید آمدن حالتی دلالت می کند. فعل امر فقط از مضارع ساخته می شود. فعل امر نیز مانند فعل مضارع دارای ۱۴ صیغه و بر دو نوع است: امر به لام - امر به صیغه. بحثی که فعلاً مد نظر ما است، طریقه ساخت امر به صیغه می باشد.

نکته اول: امر به صیغه از شش صیغه مخاطب فعل مضارع ساخته می شود. به این ترتیب:

- ۱- حرف مضارعه (ت) را از اول فعل مضارع حذف می کنیم: **تَضْرِبُ** ← **ضَرْبُ** / **تَضْرِبُونَ** ← **ضَرْبُونَ**
- ۲- علایم رفع را از آخر فعل مضارع حذف می کنیم. یعنی آخر فعل مضارع، مجزوم می شود. یعنی اگر آخر فعل ضمه داشت، ضمه تبدیل به ساکن می شود و اگر آخر فعل نون داشت، نون آخر حذف می شود، البته بجز نون جمع مؤنث که باقی می ماند و حذف نمی شود: **ضَرْبُ** ← **ضَرْبُ** / **ضَرْبُونَ** ← **ضَرْبُو**

- ۳- حالا اگر بعد از حذف (ت)، اول فعل مضارع حرکه داشته باشد (یعنی ساکن نباشد)، بدون اضافه کردن حرف دیگری، فعل امر خوانده می شود. مثال: **تُجَاهِدُونَ** ← **جَاهِدُوا** / **تُعَيِّنُ** ← **عَيِّنْ** / **يُبَلِّغُ** ← **بَلِّغْ**

ولی اگر بعد از حذف (ت)، اول فعل مضارع ساکن باشد، یک همزه به اول آن اضافه می کنیم. که حرکت همزه به حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی فعل) بستگی دارد:

الف) اگر عین الفعل مضارع، مفتوح و یا مکسور باشد، همزه را کسره (ـِ) می دهیم. مثال:

تَذْهَبُ ← إِذْهَبْ / تَذْهَبْنَ ← إِذْهَبْنَ

ب) و اگر حرکت عین الفعل (ضمه) باشد، در این صورت حرکت همزه نیز ضمه خواهد بود. مثال:

تَخْرُجُ ← أَخْرُجْ تَكْتُبَانِ ← اُكْتُبَا

صرف امر حاضر: اضرب / اضربا / اضربوا / اضربى / اضربا / اضربى

أُخْرِجْ / أَخْرِجَا / أَخْرِجُوا / أَخْرِجِي / أَخْرِجَا / أَخْرِجِي

اعلم / اعلموا / اعلمى / اعلموا / اعلمى / اعلمن

درس چهارم: ادامه بحث از فعل امر. آموزش فعل امر صیغه های ۸ - ۹ - ۱۱ - ۱۲.

در بحث جلسه قبل نکات مورد نیاز را گفتیم. از باب تمرین و تکرار چند مثال دیگر را ذکر می کنیم:

• اَرْحَمْ / اَرْحَمَا / اَرْحَمُوا / اَرْحَمِي / اَرْحَمَا / اَرْحَمِي

• اُشْكُرْ / اُشْكُرَا / اُشْكُرُوا / اُشْكُرِي / اُشْكُرَا / اُشْكُرِي

• اغْفِرْ / اغْفِرَا / اغْفِرُوا / اغْفِرِي / اغْفِرَا / اغْفِرِي

• ادْخُلْ / ادْخُلَا / ادْخُلُوا / ادْخُلِي / ادْخُلَا / ادْخُلِي

درس پنجم: در این درس به آموزش ساخت فعل نهی اشاره می کنند.

مقدمه: فعل امر دارای معنای «طلبِ انجام فعل» است. ولی فعل نهی دارای معنای «طلب ترک فعل» می باشد. درواقع فعل نهی، فعلی است که انجام ندادن کاری را فرمان می دهد (درست برعکس فعل امر است که بر انجام دادن یک کار فرمان می دهد). مثلاً: نخور - نرو - نباش.

نکته اول: فعل نهی از مضارع مخاطب ساخته می شود. برای ساخت فعل نهی، حرف «لا» قبل از فعل می آید و آخر فعل مجزوم می شود. (یعنی ضمه آخر فعل تبدیل به ساکن می شود و اگر آخر فعل نون داشت، نون آن حذف می شود به جز جمع مونث). مثال:

تَفَعَّلْ ← لا تَفَعَّلْ : انجام می دهی ← انجام نده / تَفْعَلُونَ ← لا تَفْعَلُوا : انجام می دهید ← انجام ندهید

فرق بین مضارع منفی و فعل نهی: ۱- در فعل مضارع منفی، آخر فعل مجزوم نمی شود. ولی در فعل نهی، آخر فعل مجزوم می شود. مثال: تَذْهَبِينَ: می روی ← مضارع منفی: لا تَذْهَبِينَ: نمی روی / لا تَذْهَبِي: نرو

۲- فعل مضارع منفی معنای فعل را به حالت منفی درمی آورد. ولی فعل نهی، مضارع را به «امر منفی» تبدیل می کند. مثال: تَكْتُبُ: می نویسد ← مضارع منفی: لا تَكْتُبُ: نمی نویسد / ← فعل نهی: لا تَكْتُبُ: ننویس

۳- فعل نهی از ماضی ساخته نمی شود. ولی منفی هم از ماضی و هم از مضارع ساخته می شود. (ماضی با «ما» منفی می شود و مضارع با «لا»).

توجه ۱: چون فعل ماضی مربوط به زمان گذشته است و کاری را بیان می کند که انجام آن به اتمام رسیده است، لذا نمی توان از آن نهی یا امر ساخت.

ایران تونش
توشه ای برای موفقیت

درس ششم: در این درس نیز به ادامه فعل نهی می پردازند.

از آنجا که در جلسه قبل تک تک نکات مورد نیاز را آوردیم، فلذا در اینجا به ذکر چند مثال بسنده می کنیم.

• لا تَذْهَبْ / لا تَذْهَبَا / لا تَذْهَبُوا / لا تَذْهَبِي / لا تَذْهَبَا / لا تَذْهَبْنَ

- لَا تَكْتُبْ / لَا تَكْتُبَا / لَا تَكْتُبُوا / لَا تَكْتُبِي / لَا تَكْتُبَا / لَا تَكْتُبْنَ
- لَا تَتْرُكْ / لَا تَتْرُكَا / لَا تَتْرُكُوا / لَا تَتْرُكِي / لَا تَتْرُكَا / لَا تَتْرُكْنَ

درس هفتم: در این درس به دو مبحث مهم و کاربردی اشاره می‌شود: ترکیب وصفی و ترکیب اضافی

نکته اول: هرگاه در جمله‌ای دو اسم پشت هم قرار بگیرند ترکیب اسمی پدید می‌آورند. ترکیب اسمی بر دو نوع است: الف) ترکیب وصفی (موصوف و صفت)، ب) ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه).

نکته دوم: اگر اسم دوم، اسم اول را توصیف کند، به ترکیب اسمی، «ترکیب وصفی» می‌گویند؛ مانند: الكتاب النافع ← کتاب سودمند؛ در این جا سودمند بودن صفت کتاب است.

و اگر اسم دوم فقط به اسم اول نسبت داده شود و آن را توصیف نکند، به ترکیب اسمی، «ترکیب اضافی» می‌گویند؛ مانند: کتاب التلمیذ ← کتاب دانش‌آموز؛ در این جا، فقط مالکیت کتاب به دانش‌آموز نسبت داده شده است و دانش‌آموز صفت و ویژگی کتاب نیست.

نکته سوم: در عربی، در ترکیب وصفی؛ به اسم دوم، «صفت» (نعت) و به اسم اول، «موصوف» (منعوت) می‌گویند. و در ترکیب اضافی؛ به اسم دوم، «مضاف‌الیه» و به اسم اول، «مضاف» می‌گویند.

نکته چهارم: موارد تبعیت صفت از موصوف:

الف) در جنس (مذکر و مؤنث بودن). رجلٌ شجاعٌ / شجرةٌ جميلةٌ

ب) در معرفه و نکره بودن. الرجل العالم

ج) در عدد (مفرد و مثنی و جمع بودن). تلميذاتٌ مومناتٌ

د) در اعراب (رفع و نصب و جر). کتابٌ نافعٌ

توجه ۱: مضاف هیچگاه ال، تنوین، نون مثنی، نون جمع مذکر سالم نمی گیرد.

بابُ الصَّفِّ (مضاف و مضاف الیه) - معلِّمو المدرسه (مضاف و مضاف الیه)

توجه ۲: مضاف الیه همیشه مجرور می باشد. (کلُّ مضافُ الیه مجرور)

توجه ۳: باید توجه داشت که مضاف در معرفه و نکره بودن از مضاف الیه پیروی می کند. یعنی اگر مضاف الیه معرفه باشد مضاف هم معرفه خواهد بود و اگر مضاف الیه نکره باشد مضاف هم نکره به شمار می رود.

کتابُ تلمیذٍ (مضاف و مضاف الیه نکره) - کتابُ التلمیذِ (مضاف و مضاف الیه معرفه)

نکته پنجم: ترجمه عبارت عربی به فارسی، یکی از راههای تشخیص «موصوف و صفت» و «مضاف و مضاف الیه» می باشد. مثال: بحرٌ کبیرٌ ← دریایی بزرگ، دریای بزرگی. بابُ البیتِ ← درِ خانه.

حال به اول عبارت فوق در ترجمه فارسی، «این» و به آخرش «تر است» اضافه می کنیم؛ اگر معنا بدهد موصوف و صفت است ولی اگر معنا ندهد مضاف و مضاف الیه خواهد بود. ← این دریایی بزرگتر است = موصوف و صفت. این درِ خانه تر است = معنا نمی دهد پس مضاف و مضاف الیه است.

توجه ۴: اگر مثنی یا جمع مذکر سالم، مضاف واقع شوند "نون" آخر آنها حذف می شود. مثال:

معلِّمونَ + المدرسه ← معلِّمو المدرسه / آخوان + ک ← آخوak

ایران توننه

تجربهای برای موفقیت

درس هشتم: در عربی سال هفتم با فعل ماضی آشنا شدیم. در این درس با دو نوع از افعال ماضی، یعنی ماضی ساده و ماضی استمراری آشنا می شویم.

نکته اول: ماضی ساده نشان دهنده کاری است که در گذشته انجام شده و تمام شده است. کتب: نوشت / فعلوا: انجام دادند. به ماضی ساده، ماضی مطلق هم می گویند.

نکته دوم: ماضی استمراری نشان دهنده کاری است که در گذشته چند بار تکرار شده است. می نوشتند

طریقه ساخت ماضی استمراری در عربی به این شکل است: کان + فعل مضارع = ماضی استمراری

توجه: البته باید دقت کرد که فعل کان باید متناسب با صیغه فعل مضارع بیاید.

صرف فعل کان: کان-کانا-کانوا/ کانت-کانتا-کن / کنت-کنتما-کنتن / کنت-کنتا-کنتن

کان یذهب ← می رفت / کانا یذهبان ← می رفتند / کانوا یذهبون ← می رفتند

کانت تذهب ← می رفت / کانتا تذهبان ← می رفتند / کن یذهبن ← می رفتند

کنت تذهب ← می رفتی / کنتما تذهبان ← می رفتید / کنتم تذهبون ← می رفتید

کنت تذهبین ← می رفتی / کنتما تذهبان ← می رفتید / کنتن ← می رفتید

کنت اذهب ← می رفتیم / کنتا نذهب ← می رفتیم

درس نهم: بیان ساعت

برای بیان ساعت در زبان عربی، دانستن اعداد ترتیبی لازم است.

السَّاعَةُ الْوَاحِدَةُ ← ساعت یک است. / السَّاعَةُ الثَّانِيَّةُ / السَّاعَةُ الثَّلَاثَةُ / السَّاعَةُ الرَّابِعَةُ / السَّاعَةُ الْخَامِسَةُ /

السَّاعَةُ السَّادِسَةُ / السَّاعَةُ السَّابِعَةُ / السَّاعَةُ الثَّامِنَةُ / السَّاعَةُ التَّاسِعَةُ / السَّاعَةُ الْعَاشِرَةُ / السَّاعَةُ الْحَادِيَةُ الْعَشْرَةَ /

السَّاعَةُ الثَّانِيَّةُ الْعَشْرَةَ / السَّاعَةُ الثَّلَاثَةُ عَشْرَةَ / السَّاعَةُ الرَّابِعَةُ عَشْرَةَ / السَّاعَةُ الْخَامِسَةُ عَشْرَةَ / السَّاعَةُ السَّادِسَةُ عَشْرَةَ /

السَّاعَةُ السَّابِعَةُ عَشْرَةَ / السَّاعَةُ الثَّامِنَةُ عَشْرَةَ / السَّاعَةُ التَّاسِعَةُ عَشْرَةَ / السَّاعَةُ الْعَاشِرُونَ / السَّاعَةُ الْوَاحِدَةُ وَالْعَشْرُونَ /

السَّاعَةُ الثَّانِيَّةُ وَالْعَشْرُونَ / السَّاعَةُ الثَّلَاثَةُ وَالْعَشْرُونَ / السَّاعَةُ الرَّابِعَةُ وَالْعَشْرُونَ.

برای بیان ساعت، یادگیری این سه الگو کافی است:

السَّاعَةُ الْوَاحِدَةُ ← بیان ساعت بصورت کامل

السَّاعَةُ الْوَاحِدَةُ وَالرُّبْعُ ← ۱۵ دقیقه از ساعت یک گذشته

السَّاعَةُ الْوَاحِدَةُ أَلَّا رُبْعاً ← ۱۵ دقیقه مانده به ساعت یک

